

« مساکن الموتی » و « بلد میت » و « شهر مردگان » کجاست؟

« حضرت امیرالمؤمنین » صلوات الله علیه در آغاز « نامه ۳۱ نهج البلاغه » که « وصیتنامه » ایشان به فرزند ارشدشان (و خطاب به ما) است، خود را ساکن « مَسَاكِنِ الْمَوْتَى » معرفی فرموده‌اند. قرآن نیز از « اَرْضِ مَيِّت » و « بِلَدِ مَيِّت » سخن می‌گوید لذا لازم است « شهر مردگان » را بشناسیم. شهر مُرده شهری است که « حیات و زندگی » در آن « متوقف » است و « عقلانیت و انسانیت » در آنجا « حاکمیت » ندارد و مردم آن « اطلاعات تاریخی درستی » ندارند. لذا با آنکه « اقوام گذشته » جهان « رفتارهای معقولی » هم داشته‌اند اما افراد شهر مُرده فقط اعمال « نامعقول اقوام قبل » را به نام « عادات و رسوم » در عروسی، جشن تولد، ۴ شنبه آخر سال، ۱۳ فروردین و مناسبت‌های دیگر و حتی در اعمال مذهبی خود مبنای رفتارشان قرار می‌دهند و آنها را « ناآگاهانه » به نسل بعد نیز تحمیل می‌کنند. لذا اگر « عِلَّتِ پرستش احمقانه گاو یا بُت سنگی » را از آنها بپرسید می‌گویند اجداد ما چنین می‌کردند: ... **ما هذه التماثيل التي أنتم لها عاكفون؟؟؟** (۵۲) **قَالُوا: وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ** (انبیاء/۵۳)

« مشخصه اصلی » مردم شهر مُرده اینست که از « با ارزش ترین توانائی » یعنی « تفکر و تعقل » خود هیچ بهره مفیدی نمی‌برند و « اسیر حواس و هوس و خرافات » و « مقلد رفتار غلط دیگرانند. » لذا وقتی آنها را به « پذیرش و پیروی تعالیم الهی » دعوت می‌کنند، می‌گویند: ما پیرو رفتار اجدادمانیم: **وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ، قَالُوا: بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ...** (لقمان/۲۱)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ، قَالُوا: حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ... (مائده/۱۰۴)

آنها « آیات روشنگر الهی » را با این بهانه که اینها را « از اجدادمان نشنیده‌ایم »، « انکار » می‌کنند: **فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا: ... مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ** (قصص/۳۶) (مؤمنون/۲۴)

ساکنان شهر مُرده « گناهان فاحش » را « می‌فهمند » اما خود را مجبور به « تقلید » از اجداد می‌دانند: **وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا: وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا ...** (اعراف/۲۸)

مردگان مذهبی‌نما، « گناهان بسیار زشت و تخلفات فاحش » خود را به « امر خدا » نسبت می‌دهند: **وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً ... قَالُوا ... اللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا ...** (اعراف/۲۸)

نکته مهم: « مرفهین بی‌بند و بار » عامل رواج « خرافات و تقلید کورکورانه و رسوم غلط » هستند: **... مَا أَرْسَلْنَا مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ** (زخرف/۲۳)

« خدایا! یاریمان کن تا منتظرینی عاقل، مؤمن و زنده باشیم و اسیر خرافات، هوس و تقلید احمقانه نشویم. »